

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښت تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

جیلانی لیبیب

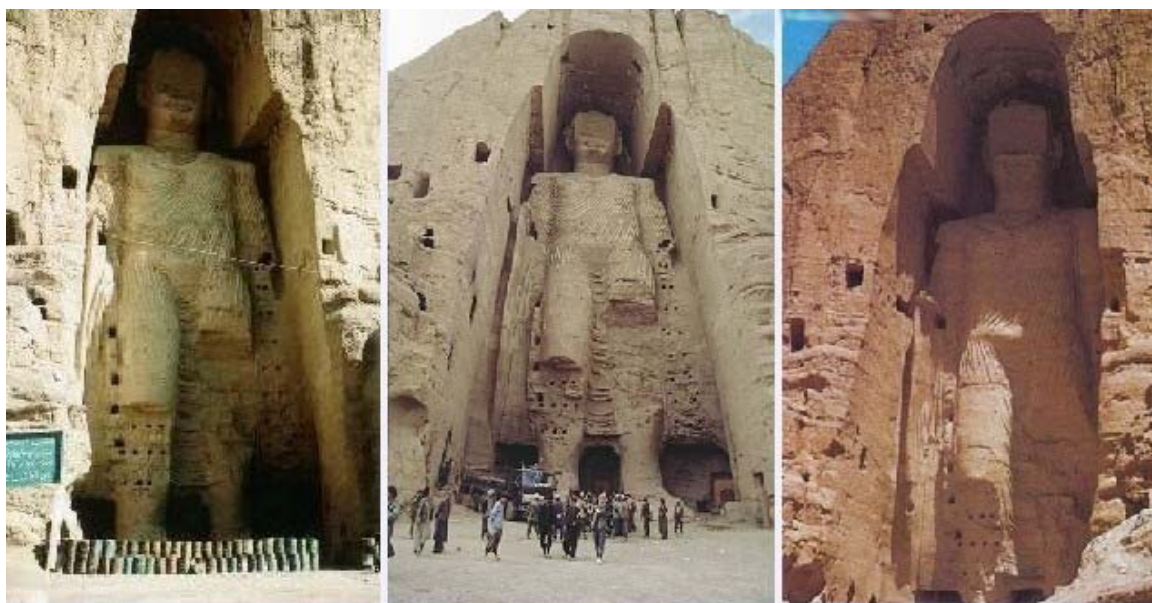
برلین - ۱۷ جولای ۲۰۱۰

افغانستان در سال ۱۹۸۲ میلادی از یونسکو سازمان آموزشی ، علمی و فرهنگی وابسته به ملل متحد تقاضا نموده بود تا منار جام در غور ، تندیس های بودا در بامیان، حوزه باستانی آی خانم در تخار و ساحه باستانی شهر هرات را در فهرست آثار فرهنگی جهان جای دهد. از آن شمار منار جام در سال ۲۰۰۲ میلادی و دره بامیان با جایگاه تندیس های ویران شده بودا در سال ۲۰۰۳ میلادی به حیث آثار فرهنگی جهانی پذیرفته شدند.

گنجینه های جهان - میراث بشریت

دره بامیان - افغانستان

وقتی از بامیان می گوئیم از سرزمینی یاد می نمائیم با تاریخ چندین هزار ساله پر از شکوه و جلال آبداتی، سرشار از نشانه های عظمت و نمادهای اسطوره ئی و حماسی. زمانی از بامیان نام میبریم، در باره خطه ای سخن میرانیم که همیشه در محراق زمانه ها، منطقه ای بوده است برای خویشتن یابی، کنار طبیعتی زیبا در دره ای والا و مرز و بومی با تندیسهای فراوانش، تداعی کننده بودا و آئین بودائی در جهان.



مردم "سرزمین نور" همچون همه جای آریانا ویج، با سکندر رزمیده اند؛ چنگیز اینجا همچون در سراسر خراسان زمین، از کشته پشته ساخته و موتی جن پسر جغتو و نواسه چنگیز مغول در خطه "مهر تابان" جان باخته است. بارها و دیگر بار درین مرز و بوم تاخته، غارت برده و بر مردم بومی بامیان جفا روا داشته اند. اما جهان همواره و پیوسته تنها نظاره گر باقی مانده و تاریخ با نگاشتن گاهی چند سطر، واقعه نگری بسنده کرده است.

به تاریخ بیست و شش فیبروری سال ۲۰۰۱ میلادی، شورای رهبری، شورای علماء و دیوان عالی، ستره محکمه طالبان، به پیروی از فتوای ملا محمد عمر رهبر خویش، فرمان تخریب تمام آثاری را که به تعبیر آنها "غیر اسلامی" بود صادر کردند. دو تندیس بودا در بامیان و تمامی مجسمه های تاریخی که در موزه های کابل و دیگر شهرهای افغانستان نگهداری میگردیدند، نیز می بایست بر همین مبنا نابود می شدند.



آری، "صلصال" و "شهمه" بی بامیان باستان که چندین سده غارت، ویرانی و انهدام پی در پی را با کنده و تبر و شمشیر متحمل شده بودند، با انفجار باروت از قلب کوه بیرون کشیدند و فرو ریختند.



چنین بود که روز نهم مارچ سال ۲۰۰۱ میلادی، بعد از برگزاری نماز جمعه، طالبان به روی مجسمه های بودا، آتش گشودند. پس از دو شبانه روز سوختن و افروختن در شامگاه یازدهم مارچ، از "صلصال" و "شهمامه" ۱۶۰۰ ساله، تنها دو حفره ای به ارتفاع ۵۳ و ۳۵ متر در دامنه هندوکش مرکزی افغانستان باقی مانده بود که غمگانه گرد و غبار بیداد روزگار را در قلب خویش فرو میبلعید. قبلاً طالبان از نقاط مختلف افغانستان توپ، تانک، ماشیندار و مواد منفجره را به بامیان، شهر پیکره های تاریخی بودا آورده بودند. نابودی تندیسهایی که بیش از هزار سال بر پاهای خود ایستاده بودند، کار ساده ای نبوده است و گفته می شود که "خنگ بت" و "سرخ بت"، یک هفته تمام زیر مواد انفجاری و اسلحه سنگین طالبان میسوخته اند.



پیش ازین نیز، پیکره های تاریخی بودا، ضربه های فراوان دیده بودند: مسلمانان عرب اولین بار در زمان حجاج بن یوسف بر بامیان تسلط یافتند و تعداد زیادی از معابد و مجسمه های آنها با زیور آلات و اشیای قدیمی را به غنیمت بردند. آنها معبد طلائی بیت الذهب و روکش طلائی صورت پیکره های بامیان را از بالای پیشانی بطرف پایین تراشیدند، تا از حالت بت بودن خارج شود. چنگیز خان مغول در سال ۱۲۲۲، اورنگزیب در سال ۱۶۸۹ و عبدالرحمان خان در سال ۱۸۹۲ میلادی، هر یکی به نوبه خود برای نابودی این دو تندیس تلاش و بر پیکر آنها صدمه هایی وارد کردند، در جریان جنگهای داخلی مجاهدین افغان در آغاز دهه نود میلادی نیز مجسمه های بودا، از آسیب مصون نماندند. این دو پیکره بزرگ بودا، زمان امپراتوری کوشانیان، در سده های نخست تا پنجم میلادی، در دل صخره های کوهپایه های دره تاریخی بامیان ساخته شدند. مجسمه ۳۵ متری کوچکتر در سال ۵۰۷ میلادی و تندیس ۵۳ متری بزرگتر در ۵۵۴ میلادی بنا بر روایاتی مجسمه ۳۵ متری بودا در قرن دوم و بت ۵۳ متری بودا در بین سده های دوم و سوم میلادی ایجاد گردیده است.

"خنگ بت" یا "شهمامه" سی و پنج متری و "سرخ بت" یا "صلصال" پنجاه و سه متری، بزرگترین تندیسهای بودا و بلندترین مجسمه های سنگی در جهان بودند. طاقهای محافظ پیکره ها را، نقاشیهای رنگه صورتهای مردان و زنان بودائی، در حالت های ویژه ای و هر یکی نمایانگر مفهوم خاصی، می آراستند. این تندیس ها با راهروهای متعدد به سُمچه های، که اکنون در دل کوه به صورت مغاره در آمده اند، راه داشتند.

در اتاقها، که شمار دقیق آنها معلوم نیست و به چندین صد میرسد، راهبان بودائی سرگرم آموزش و نیایش بوده و به هزاران زاير همکیش، از سرزمینهای دور و نزدیک، موعظه میکرده اند. سُمچه ها با شیوه ویژه ای در داخل تپه های بامیان کنده شده اند و سقف بسیاری از آنها منقش می باشد. به

اساس آخرین یافته ها برای نخستین بار، بشر در نقاشی همین اتاقها که ۴۶ تایی آن به عنوان ارزش های هنری تثبیت گردیده اند، از رنگ روغنی کار گرفته است.



"صلصال" و "شهمامه"، در تمامی لغتنامه ها و آثار جغرافیائی و تاریخی بنام های "سرخ بُت" و "خنگ بُت" نیز معروفند. ساختن بودای بامیان چند سده را در بر گرفته است و هزاران استاد و معمار بروی آنها کار کرده اند. در این وقت معابد و طاقهای مجسمه های بزرگ بودا در بامیان با بهترین پارچه های ابریشمی و پرده های زربفت مزین و قسمتهای برهنه هیکل ۵۳ متری مثل دست و پا و صورت بطور کامل از ورق طلا پوشیده بوده است، اما هیوان تسانگ سیاح چینی آنرا مجسمه فلزی و از برنج تصور کرده بود.

آثار ابداتی زیر را یونسکو، سازمان آموزشی ، علمی و فرهنگی وابسته به ملل متحد در فهرست امکانه "میراث بشریت" شامل نموده است:

اول:

طاق های بتهای پنجاه و سه و سی و پنج متری بودا از سده ششم میلادی و غار حومه آن که سنگهای تا اعماق نه صد متری اسکنه کاری شده اش با گچکاری و نقاشیهای روی دیوار آراسته گردیده اند.

دوم:

شهر و قلعه ضحاک واقع در تقریباً هفده کیلومتری شرق مغاره های حومه محل بت های بودا که در عصر غزنوی ها و غوریان ، میان سده های دهم تا سیزدهم میلادی، آباد گردیده است.

سوم:

باقیمانده قلعه کافری با حصار، برجها و ارگ آن که در حدود دوازده کیلومتری شرق محل "صلصال" و "شهمه" قرار دارد.

چهارم:

بالاحصار و شهر غلغله که در بلندیهای يك تپه ، معروف به تپه سرخ رنگ، وسط دره بامیان موقعیت میداشته باشد و میان سده های ششم تا دهم میلادی آباد گردیده است.

پنجم:

دره ککرك واقع در حدود سه کیلومتری جنوب شرق محل مجسمه های بامیان که دارای بیشتر از یکصد غار ساخته شده بین سده های ششم تا سیزدهم میلادی می باشد ، با باقیمانده يك تندیس بودا و يك محراب دعای نقاشی شده از زمان امپراتوری ساسانیان.

ششم:

مغاره های دره فولادی که در حدود دو کیلومتری جنوب شرق جایگاه بتهای معروف بامیان موقعیت دارد، به ویژه مغاره های مزین آن.

یونسکو، سازمان آموزشی ، علمی و فرهنگی وابسته به ملل متحد در سال ۲۰۰۳ میلادی آثار ابداتی دره بامیان را در لیست آثار فرهنگی تحت خطر نیز ثبت نمود.

ناگفته نباید گذاشت که "بند امیر" از جانب یونسکو به عنوان "اولین پارک ملی افغانستان" مسمی گردیده است.

بامیان در بُنداهش ، خلاصه ای از اوستای ساسانی و زند، بنام بامیکان یاد شده است. واژه بامیان «سرزمین نور» یا «سرزمین مهر تابان» معنی می دهد؛ بامیان در عهد سلوکیان، سلسله ای از مقدونیان که پس از اسکندر در ایران باستان تشکیل شد و جانشین هخامنشیان گردیدند، از "پامی بن" به پامی زوس یا "پامیزار" تغییر نام داد و مناطق آنسوی بامیان - بهسود، غزنی و دایزنگی "پارا پامیزوس" خوانده شدند. بعد از سلوکیان در سده اول میلادی زمان حکمرانی آشوکا، سومین پادشاه موریائی دین بودائی در منطقه نفوذ یافت و بامیان مرکزیت دین بودائی را پیدا نمود.

داستان "خنگ بت" و "سرخ بت" و یا به ضبط "یاقوت" در "معجم البلدان" خنگید و سرخبد را به روایت "عوفی" در "الباب الالباب"، عنصری ، شاعر بلخی به نظم فارسی درآورده و بعد، آن حکایت را ابوریحان بیرونی زیر عنوان "حدیث صنمی البامیان" به زبان عربی ترجمه کرده است.

معنی لغوی "صلصال" گل خشکیده و گل مخلوط با ریگ است و واژه "شهمه" ترکیبی از دو لغت "شاه" یا "شه" و "مامه" که از جمله در لهجه پنجشیری ها به "مادر" اطلاق می گردد و آنرا میتوان "شهبانو" توجیه نمود. در افسانه های عامیانه مردم بامیان، صلصال به منزلت يك شاه بازتاب یافته است و شهمه به مثابه ملکه و همسرش آری، بامیان زیباست و افسانه ساز و مردمش طبیعی و سخاوتمند.

آری؛ همواره ، وقتی از بامیان میگویند و پیوسته ، زمانی از تندیسهایش، "میراث فرهنگی بشریت"، سخن برانند، ذهن زمانه های این سرزمین، سرنوشت اندوهبارش را، در خاطره ها اشک می فشاند و خواهد گریست.

پایان



رویکردها :

- ۱- افغانستان در پرتو تاریخ، احمد علی کهزاد، مطبعة دولتی، کابل، دلو ۱۳۴۶، مقاله های صفحه های ۱۰۴، ۲۲۵، ۲۳۶ و ۲۳۹.
- ۲- تاریخ افغانستان بعد از اسلام، عبدالحی حبیبی، چاپ دوم ، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۶۳، ص ۹۱، ۶۸۷ و ۷۳۵.
- ۳- تاریخ ایران بعد از اسلام، عبدالحسین زرین کوب، چاپ چهارم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۶۹ و ۵۶۹.
- ۴- فرهنگ فارسی، داکتر محمد معین، جلد پنجم، چاپ هشتم، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱، ص ۲۸۴ و ۷۹۲.
- ۵- ویکی پیدای المانی و انگلیسی .
- ۶- صفحه انترنیت بی بی سی به زبان فارسی، اخبار مربوط به بتهای بامیان.